

نگاهی به شورش فرودستان

جامعه و افق های آن



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

فروستان جامعه، بدنبال افزایش قیمت بنزین، موجی از اعتراض را برآه انداختند که سراسر جامعه را فرا گرفت. بورژوازی اسلامی اعتراضات آبان ۱۳۹۸ را با سرکوب خونین پاسخ داد. با گذشت زمان، کم کم ابعاد گسترده کشتار روشن گردید. حاکمیت از ترس گسترش تظاهرات و عمیق شدن اعتراضات، خود از تاکتیک تخریب و آتش زدن اماکن استفاده کرد، تا زودتر بتواند به عنوان یاغی و شورشگر، زمینه کشتار و حمام خون را مهیا سازد. تا با سرکوب خشن و لجام گسیخته بتواند اعتراضات را در کوتاه ترین زمان ممکن سرکوب نماید. بورژوازی اسلامی به حيله و دروغ متوسل میشود و اظهار میدارد بخش زیادی از کشته شدگان توسط خود اغتشاشگران به قتل رسیده اند. در چنین زمینه ای است که مسئولین حکومتی از جمله شمخانی پیش خانواده های کشته شدگان رفته و از آنها دلجویی می کنند.

اعتراضات خیابانی مختص ایران نیست بلکه محصول بحران سرمایه داری است و آنرا میتوان در دیگر کشورها چه در سرمایه داری پیرامونی مثل ایران، عراق و یا سرمایه داری متروپل مثل فرانسه (جلیقه زردها) مشاهده کرد. اما از آنجائیکه سرمایه داری متروپل تلاش میکند، تا آنجا که امکان دارد بار بحران سرمایه داری را به سرمایه داری پیرامونی منتقل کند، لذا بار بحران در کشورهای پیرامونی سرمایه داری خود را مخربتر از سرمایه داری متروپل نشان میدهد. بورژوازی در پاسخ به بحران سرمایه داری به سیاست های ریاضتی متوسل میشود. این یعنی نه تنها جنگ انداختن به سفره خالی کارگران بلکه دیگر ا فشار تحتانی جامعه. در سایه چنین سیاست هائی است که هر روز لایه ای از قشر متوسط جامعه به قشر تحتانی جامعه سقوط میکند. ویژگی اعتراضات خیابانی مردمی این است که فشار تحتانی و میانی جامعه با هر نوع تفکر و تعلق طبقاتی در آنها شرکت می کنند، مثل جنبش جلیقه زردهای فرانسه. کارگران در چنین جنبش هائی نه بعنوان یک طبقه اجتماعی بلکه همچون کارگران منفرد شرکت میکنند.

شرایط اجتماعی فروستان جامعه آنچنان عریان ضد انسانی است که حتی اصلاح طلبان حکومتی البته در مقام جامعه شناس در گفتگو با رسانه های رژیم هشدار میدهند که اگر بورژوازی اسلامی چاره جویی نکند، بزودی لشکر گرسنگان، جمعیتی بالغ بر ۲۴ میلیون نفر (حدود یک سوم جمعیت کشور) به کلانشهرها هجوم خواهند آورد و همه چیز را ویران خواهند کرد. مشاور اجتماعی وزیر دولت روحانی، آقای سعید معید فر چنین می گوید:

"اقدام میلیون ها گرسنه حاشیه نشینی است که در دروازه های شهرهای بزرگ کشور کمین کرده... امروز ما مانده ایم با یک اقتصاد ورشکسته، فسادها، تبعیض ها و سیاست های غلطی که طی ۳۰ الی ۴۰ سال باعث تخلیه روستاها شد. در حاشیه کلان شهرهایی که در آنها ثروت و منابع اقتصادی متمرکز شده، لشکر گرسنگانی شکل گرفته است که هر روز برای هجوم به کلانشهرها آماده تر و با انگیزه تر هستند...گرسنگان چنان قدرتی خواهند داشت که هیچ کس جلودار آنها نیست...مانند یک سیل همه چیز را ویران خواهند کرد." [۱]

زمانیکه جامعه هنوز به موقعیت انقلابی ارتقاء نیافته و قدرت دوگانه در جامعه حاکم نیست، هژمونی اعتراضات خیابانی مردمی در دستان طبقه کارگر نیست، آنچه در پشت سنگر بندی خیابان قرار دارد، انواع و اقسام ایدئولوژی های سرنگون طلبانه است. افرادی که در اعتراضات مردمی سنگر خیابان را در تسخیر خود دارند، ماهیت سنگر بندی خیابان را تعریف نمی کنند، بلکه از قبل در خیابان مواضعی موجود است. در اعتراضات مردمی، در خیابان کارگر منفرد، جدا شده از طبقه، آن هم در شکل شورش، نمی تواند مواضع طبقاتی خود را بیان کند، بلکه در خیابان به سیاهی لشکر طبقات دیگر تبدیل می شوند. شورش های خیابانی راه حلی برای بیرون آمدن از منجلاب سرمایه داری نیست.

مسئله حائز اهمیت این است که گویا هر اعتراضی، هر چقدر خونین تر باشد همانقدر رادیکالتر است. این یک درک اشتباهی است و ربطی به سنت مبارزاتی طبقه کارگر ندارد. آیین سنت، بیشتر مناسب حال آنارشیست ها است. از افق طبقاتی، از منظر مبارزه ضد سرمایه داری، از دید کمونیستی اعتراضات کارگری در پائیز ۱۳۹۷ که حتی یک نفر نیز کشته نشد، رادیکالتر و ضد سرمایه داری تر از اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ بود. اعتراضات کارگری پائیز ۱۳۹۷ توانست خانواده ها را به خیابان بیاورد، مردم محلات را به خیابان بکشاند، خیابان به مجامع عمومی تبدیل شده بود. خیابان، محله و کارخانه به محل بحث و گفتگو، حتی جدل تبدیل شده بود. فاکتورهای ذکر شده منجر شد تا معترضین با آگاهی جمعی به اعتراض خود ادامه دهند و این مسئله در روند خود باعث شد تا اعتراضات روز به روز رادیکالتر شود. اگر چه اعتراضات شکوهمند پائیز ۱۳۹۷ سرکوب شد اما دستاورد آنها به بخشی از حافظه تاریخی تبدیل شد. اعتراضات اجتماعی و مارش خیابانی باید در خدمت جنبش طبقاتی کارگران قرار گیرد، خیابان باید به محل تجمع خانواده ها تبدیل شود، خیابان باید به مجمع عمومی معترضین تبدیل شود. در چنین شرایطی است که اعتراضات به جای اعتراض ضد رژیم، شکل ضد سرمایه داری بخود میگیرد. باید زمینه های شکل گیری کمیته های محله و دیگر نهاد های اعتراضی را مهیا کند.

بخاطر تنش های امپریالیستی که بین بورژوازی غرب و جمهوری اسلامی جریان دارد، غربی ها تحت عنوان دفاع از دموکراسی از مبارزات مردمی ایران دفاع کرده اند. حتی از این مسئله بعنوان اهرم فشار برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی استفاده می کنند. اما چه کسی است که نداد، آنها فقط بدنبال منافع امپریالیستی خود هستند. در سایه تحریمها، صنایع ایران به ورشکستگی کامل کشیده شده که بیکاری لجام گسیخته از عواقب آن است. برای انترناسیونالیستها، بورژوازی جهانی به اندازه گانگسترهای اسلامی در فلاکت، بدبختی و سیه روزی نه تنها طبقه کارگر ایران بلکه کل مردم ایران سهیم هستند. هرگونه توهم به کشورهای غربی، سلطنت طلبان، قوم پرستان و دیگر نیروهای مرتجع باعث تقویت نیروهای سیاهی خواهد شد که هیچ فرقی با جنایتکاران اسلامی ندارند.

طبقه کارگر مجبور است با چنگ و دندان از سطح معیشت خود دفاع کند و علیرغم سرکوب لجام گسیخته به مبارزات خود ادامه دهد. در مبارزه طبقاتی امکان مانور دادن نیروهای سیاه و ارتجاعی بسیار پائین است. طبقه ما در جریان تحولات ۱۳۵۷ نبردهای شکوهمندی را به ثبت رساند، تنها در سایه مبارزات و اعتصابات عظیم

کارگری بود که رژیم شاهنشاهی به زباله دان تاریخ افکنده شد. در آن سالها مبارزات طبقه ما تحت الشعاع مبارزه ضد استبدادی و ضد رژیمی قرار گرفت. بورژوازی اسلامی جایگزین بورژوازی شاهنشاهی شد، نه تنها بردگی مزدی تداوم یافت بلکه شرایط زندگی ما و سطح استانداردهای زندگی ما تنزل نیز پیدا کرد. باید از تجربیات آن مبارزات استفاده کنیم. هدف مبارزه ما نه تغییر حاکمیت بلکه باید سرنگونی سیستم سرمایه داری باشد. مبارزه طبقاتی با توجه به ماهیت ضد سرمایه داری در روند خود به دیگر کشورها گسترش پیدا خواهد کرد.

امیر جوادی – فیروز اکبری

۲۵ آذر ۱۳۹۸

یادداشت:

[۱] <https://www.sedayemardom.net/?p=77582>